

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا.م. شبیری

۱۵ جنوری ۲۰۲۳

نودمین سال به قدرت رسیدن هیتلر در المان



روابط غرب جمعی با اوکراین شباهت‌های زیادی به روابط آنگلو ساکسون‌های دهه ۱۹۲۰ و ۳۰ با رایش سوم دارد.

زیر آفتاب چیز جدیدی نیست

آنچه که هست، بود، برای همیشه نیز خواهد بود.

و قبل از این که جوی خون جاری شود،

و قبل از این که انسان بگرید...

نیکولای کارامزین، نویسنده، شاعر، منتقد، مؤرخ، «حکمت تجربی سلیمان» یا «افکار منتخب کلیسائی» (۱۷۹۷)

نودمین سالگرد به قدرت رسیدن هیتلر، یکی از سالگردهای سیاه سال ۲۰۲۳ است. او در ۳۰ جنوری ۱۹۳۳ به عنوان صدراعظم جمهوری وایمار کار خود را آغاز کرد. آماده شدن آشکار المان برای یک جنگ بزرگ که خود را رایش سوم اعلام کرد، آغاز شد.

این یک واقعیت آشکار است که هیتلر توسط کشورهای پیروز جنگ جهانی اول، در درجه اول انگلستان و ایالات متحده به قدرت رسید. این واقعیت گواه آن است که حتی قبل از به قدرت رسیدن هیتلر، اقتصاد المان توسط بانکداران و صنعتگران آنگلو ساکسون تقویت شد. با این حال، علی رغم احیای اقتصاد جمهوری وایمار، آن نتوانست از بحران اقتصادی که در سال ۱۹۲۹ کل جهان غرب را فراگرفت، در امان بماند. تولید صنعتی در دوره سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۳، ۴۰ درصد سقوط کرد. اما این بحران یک هدیه به هیتلر بود. او با سوار بر موج نارضایتی فزاینده از وضعیت اجتماعی-اقتصادی، توانست به قدرت برسد و خود را سخنگوی منافع زحمتکشان اعلام کند. فورر (پیشوا، امام) پس از به دست گرفتن قدرت، به سمت سرمایه بزرگ چرخید. در حوزه اقتصادی خارجی رایش سوم، سه نکته اصلی را می‌توان در رابطه با روی کار آمدن هیتلر یادآور شد:

اول- هجوم سرمایه‌های آنگلوساکسون به المان ادامه یافت و حتی در مقایسه با دهه ۱۹۲۰ افزایش یافت.
دوم- هیتلر تصمیم گرفت پرداخت غرامت توسط المان را به طور کامل متوقف کند. تصمیم هیتلر بدون هیچ اعتراضی از سوی کشورهای پیروز اجراء شد.

سوم- پیشوا همچنین ختم اجرای تعهدات مربوط به بدهی خارجی توسط رایش سوم را اعلام کرد.

من روی مورد سوم تکیه می‌کنم.

بخشی از بدهی‌های خارجی المان در آغاز سال ۱۹۳۳ در نتیجه اعتبارات و وام‌های دریافتی آن حتی قبل از جنگ پدید آمد. در سال ۱۹۲۴، واشنگتن طرح دویز (Dawes) را تصویب کرد که هدف آن بهبودی سریع اقتصادی المان در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۲۴ بود. المان در چارچوب این طرح، به مبلغ ۴ میلیارد دالر وام و اعتبار از آنگلوساکسون‌ها (از ایالات متحده آمریکا- ۲.۵ میلیارد دالر، از بریتانیا- ۱.۵ میلیارد دالر) دریافت کرد. بر اساس نرخ مبادله آن زمان، میزان اعتبارات و وام‌های مشخص شده را می‌توان ۱۶.۸ میلیارد مارک برآورد کرد. کل بدهی المان تا سال ۱۹۳۰ به ۲۵ میلیارد مارک افزایش یافت (مقاله «بدهی‌های ارتش»- دایرةالمعارف بانکداری و امور مالی).

بر اساس داده‌های رسمی المان، بدهی خارجی المان تا فبروری ۱۹۳۳ حدوداً ۱۹ میلیارد مارک بود. اکثریت قریب به اتفاق کل بدهی خارجی المان به طلبکاران امریکائی و انگلیسی تعلق داشت.

بستانکاران بدهی المان (در قالب وام‌های بانکی و اوراق قرضه خزانهداری المان) عمدتاً بانک‌های خارجی و همچنین سایر سازمان‌ها به اضافه افراد حقیقی بودند. کل صادرات المان در سال ۱۹۳۳ بالغ بر ۴.۸۷ میلیارد مارک بود. در نتیجه، کل بدهی خارجی المان در فبروری ۱۹۳۳ تقریباً به چهار برابر بیشتر از صادرات سالانه آن رسید!

در پروژه‌های دویز و یونگ (طرح دوم به عنوان جایگزین طرح اول سال ۱۹۳۰)، تعویق‌های قابل توجهی در بازپرداخت مبالغ اصلی بدهی‌ها و اغماض‌های جدی در پرداخت بدهی‌ها (یعنی پرداخت بهره) برای دوره سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۴ پیش‌بینی شده بود. بدهی المان به ایالات متحده بالغ بر ۴۴۹ میلیون رایش‌مارک بود. این میزان نسبت به میزان وام‌ها و اعتبارات دریافتی المان از ایالات متحده در همین بازه زمانی تنها ۴.۳ درصد بوده است.

از آنجائی که هیتلر و رایش سوم به عنوان بخش مهمی از پروژه جغرافیای سیاسی بین‌الملل مالی تلقی می‌شدند، غرب به المان فاشیستی به عنوان محبوب‌ترین دولت در زمینه تجارت، حالت ویژه سرمایه‌گذاری، اعتبار، غرامت و تعهدات بدهی اعطا کرد.

هیتلر حتی آن شرایط ترجیحی برای بازپرداخت بدهی خارجی را که در طرح یونگ پیش‌بینی شده بود، علناً نادیده گرفت. المان مرتباً به دنبال امضای توافق‌نامه‌هایی با طلبکاران در خصوص تعویق موعده پرداخت وام‌ها و استقراض‌ها، در باره تجدید ساختار بدهی و همچنین تبدیل وام‌های کوتاه مدت به وام‌های بلند مدت بود. در فبروری ۱۹۳۳، یک هفته پس از به قدرت رسیدن هیتلر، طلبکاران اصلی المان به معنای واقعی کلمه موافقت کردند که قرارداد دیگری را برای به تعویق انداختن خدمات و بازپرداخت وام امضاء کنند. یک سال بعد، در فبروری ۱۹۳۴، قرارداد جدید تعویق امضاء شد.

در عین حال، هیتلر به جست و جوی وام‌های جدید در خارج از کشور شدت بخشید. **یالمار شاخت** (Hjalmar Schacht)، بانکدار (و رئیس بانک رایش در مارچ ۱۹۳۳)، نقش مهمی در این امر ایفاء کرد. او در فبروری ۱۹۳۳، به کاردار ایالات متحده در برلین اطمینان داد که رژیم فاشیستی «هیچ خطری برای تجار امریکائی در المان ندارد». شاخت به عنوان فرستاده هیتلر در ماه مه ۱۹۳۳ با فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اعضای دولت و

مقامات وال استریت ملاقات کرد. امریکا به المان وام‌های جدیدی به مبلغ یک میلیارد دلار اعطا کرد و سفر شاخت به لندن در جون ۱۹۳۳ و ملاقات او با مونتگو نورمن، رئیس بانک انگلستان، اعطای وام دو میلیارد دلاری در پی داشت. برلین از قوانین بازی تحمیلی واشنگتن و لندن بر خود بخوبی آگاه بود. هیأت المانی در کنفرانس بین‌المللی اقتصادی در لندن، تفاهنامه **هوگنبرگ**، موسوم به نام هوگنبرگ، رئیس هیأت وزارت اقتصاد المان را در ۱۵ جون ۱۹۳۳ منتشر کرد. **شاخت و روزنبرگ** در تهیه پیش‌نویس سند مشارکت داشتند. این تفاهنامه از یک سو، قصد داشت اروپا و امریکا را با خطر بلشویسم بترساند و آمادگی المان برای سازماندهی «جنگ صلیبی» علیه شوروی را نشان دهد. از سوی دیگر، در نظر داشت درخواست بازگشت به مستعمرات خود در افریقا و وام‌های جدید را به عنوان بهای چنین آمادگی مطرح کند.

رایش سوم در ۱۴ جون سال ۱۹۳۴ گام قطعی در سیاست «امتناع از بدهی» برداشت. رایش بانک (بانک مرکزی المان) اعلام کرد که پرداخت بدهی‌های خارجی و بهره آن‌ها را متوقف می‌کند و در عوض، وام‌دهندگان جواز مبنی بر این دریافت می‌کنند که بدهی‌ها و بهره آن‌ها می‌توانند طی ۱۰ سال به اوراق قرضه ۳ درصدی قابل پرداخت تبدیل شوند. در سال ۱۹۳۴ بدهی المان ۹۷ درصد کاهش یافت. فقط تصمیم یکجانبه برلین در آن سال باعث شد المان بیش از یک میلیارد مارک ذخیره کند.

لازم به ذکر است که پس از فرمان شورای کمیساریای خلق جمهوری سوسیالیستی فدراسیون روسیه شوروی در ۲۱ جنوری ۱۹۱۸ مبنی بر «ابطال وام‌های دولتی» و بر اساس آن، امتناع دولت شوروی از انجام تعهدات در قبال سایر کشورها در مورد وام‌ها و اعتبارات تزاری و دولت موقت، غرب بلافاصله محاصره تجاری، بحری و اعتباری اتحاد شوروی را آغاز کرد و سپس، مداخله نظامی شرع شد. به عکس این، هیچ اتفاقی از این قبیل در رابطه با اعلام المان، یعنی با اعلام آنچه که امروز «عدم پرداخت تعهدات دولتی» نامیده می‌شود، نیفتاد. ایالات متحده امریکا و انگلیس با تداوم تأمین کالاهای مورد نیاز المان و راه‌اندازی کارخانه‌های تولید سلاح و تجهیزات نظامی از طریق شرکت‌های تابعه در این کشور، انگار حتی متوجه این حرکت گستاخانه برلین نشدند.

تصویر دقیق و کاملی از وضعیت بدهی المان در آستانه شروع جنگ جهانی دوم در هیچ یک از منابع علنی ارائه نشده است. چیزی به جز برخی ارقام کلی بدون رمزگشایی محتوای آن‌ها و روش‌های محاسبه وجود ندارد. با این حال، بر اساس یک منبع، میزان بدهی خارجی المان تا سپتامبر ۱۹۴۰، ۱۴.۸ میلیارد مارک بوده است (تاتیانا تیماشینا، پروفیسور گروه نظریه اقتصادی دانشگاه مسکو). به گفته یک منبع دیگر، بدهی خارجی المان در دوره سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۳۲، از ۲۰ به ۱۰ میلیارد رایش‌مارک کاهش یافت. با این حال، این کاهش در نتیجه پرداخت‌های مسئولانه المان اتفاق نیفتاد، بلکه به دلیل «تجدید ساختار» یا حذف مبتذل یکجانبه بخشی از بدهی‌های خارجی رخ داد.

لازم به یادآوری است که در کنفرانس‌های یالتا و پوتسدام در سال ۱۹۴۵، مسائل مربوط به غرامت مورد بحث قرار گرفت که المان و متحدانش مجبور شدند برای جبران خسارات جنگ جهانی دوم به برندگان پرداخت کنند. کشورهای پیروز غربی (ایالات متحده امریکا، انگلیس و فرانسه) در این کنفرانس‌ها این موضوع را مطرح کردند که در محاسبه غرامت برای المان باید در نظر داشت که المان هنوز بخش بزرگی از غرامت‌های جنگ جهانی اول را بدهکار است و بدهی‌های پیشین را نیز باید به مطالبات غرامت جدید اضافه کرد. با این حال، پیروزمندان غربی ترجیح دادند موضوع بدهی‌های مکتوم المان در مورد وام‌ها و اعتبارات را مطرح نکنند. زیرا، در آن صورت نقش ناشایست این کشورهای غربی در تدارک جنگ جهانی دوم با کمک المان و پیشوای دیوانه برجسته می‌شد. در این باره رجوع کنید به کتاب من: «روسیه در دنیای جبران خسارت».

در خاتمه، مایلم متذکر شوم که امروز روابط غرب جمعی با اوکراین شباهت‌های زیادی به روابط آنگلو ساکسون‌های دهه ۱۹۲۰ و ۳۰ با رایش سوم دارد. آنگلو ساکسون‌ها در آن هنگام المان را با پول اشباع کردند و اکنون ایالات متحده، نزدیک‌ترین متحد اوکراین و صندوق بین‌المللی پول به کنیف کمک‌های اعتباری در مقادیری کاملاً غیرقابل مقایسه با توانایی‌های اقتصادی آن ارائه می‌دهند.

در آن دوره رایش سوم عملاً از انجام تعهدات حاکمیتی خود امتناع کرد (در سال ۱۹۳۴)، و اکنون کنیف بارها از انجام تعهدات بدهی خود امتناع کرده است، که باید به صراحت به عنوان نکول به رسمیت شناخته شود.

همانطور که آن وقت حامیان آنگلو ساکسون هیتلر متوجه نکول رایش سوم نشدند و به تغذیه المان با سرمایه و کالا ادامه دادند، هم اکنون واشنگتن، لندن و سایر حامیان زلنسکی نیز همچنان به تأمین پول و سلاح و مهمات «رایش اوکراین» ادامه می‌دهند.

و دلیل همه این‌ها این است که حتی در آن زمان نیز توطئه‌گران آنگلو ساکسون برای نابودی روسیه به آدولف هیتلر و المان نیاز داشتند و جانشینان مدرن توطئه‌گران آنگلو ساکسون برای نابودی روسیه، امروز به ولادیمیر زلنسکی و اوکراین نیاز دارند.

نقل از [تار نمای بنیاد فرهنگ ستر اتریچیک](#)

۲۲ دی- جدی ۱۴۰۱

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه